

## چالش‌های امنیتی در عصر جهانی شدن

هادی رجیبی<sup>۱</sup>

تاریخ وصول: ۸۸/۸/۲۳

تاریخ پذیرش: ۸۸/۱۲/۱۰

### چکیده

جهانی شدن پدیده‌ای است که با خود فرصت‌ها و چالش‌هایی را برای دولت‌ها و کارویژه‌های حیاتی آنها یعنی امنیت در پی داشته است. جهانی شدن این تأثیر را با تغییر در مبانی مشروعیت بخشی به واحدهای سیاسی و نظام حاکم بر آن نمایان ساخته است. در صورت عدم مدیریت صحیح و هوشمندانه، می‌تواند به شکل‌گیری بحران مشروعیت، ظهور بی‌ثباتی‌های سیاسی و در نتیجه کاهش ضریب امنیت منجر شود.

در همین جهت، سرعت تغییرات اجتماعی و ظهور پدیده‌های جدید به حدی است که دستگاه‌های تأمین‌کننده‌ی امنیت دچار سردرگمی گذشته و زمینه بروز بی‌ثباتی و ناامنی فراهم آمده است.

چارچوب نظری این مقاله، نظریه بحران‌ها می‌باشد و سؤالی که در این مقاله به دنبال پاسخگویی به آن هستیم این است که چالش‌های امنیتی جهانی شدن چیست و نقش پلیس در مدیریت آنها کدام است؟

در همین راستا می‌توان گفت: در عصر جهانی شدن، تأمین امنیت میسر نمی‌شود مگر اینکه وظیفه تأمین، اعمال، نمایش و حفظ قدرت توسط پلیس به خوبی اجرا شده باشد.

**واژگان کلیدی:** امنیت، نظریه‌ی بحران‌ها، بحران مشروعیت، پلیس، جهانی شدن.

---

۱- دانشجوی دکتری علوم سیاسی و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم انتظامی



### مقدمه

دانشمندان علوم سیاسی علت وجودی دولت را در حوزه‌ی داخلی تأمین امنیت شهروندان می‌دانند. قسمت عمده‌ای از این کارویژه‌ی حیاتی در تقسیمات سازمانی بر عهده پلیس قرار گرفته است. بدین نحو که پلیس باید با اقدامات پیشگیرانه مانع بروز بحران گردیده و در صورتی که بنا به دلایل محیطی یا بین‌المللی تأمین امنیت دچار مخاطره شد، با اقدام به موقع و هوشمندانه بتواند آن را مدیریت و تداوم ثبات را در حوزه‌ی سیاسی تضمین کند.

در عصر جهانی شدن امنیت مفهوم سنتی و کلاسیک خود را از دست داده و نیازمند بازتعریف آن هستیم. ترسیم گفتمان امنیتی در عصر جهانی شدن شدیداً به مفاهیمی همچون قدرت، منافع، اهداف، مصالح، جنگ، دولت و غیره وابسته است. هریک از این مفاهیم به طور اساسی در گفتمان جهانی شدن دگرگون شده و بر مصداق‌های گوناگون دلالت می‌کنند. از طرف دیگر باید به این نکته توجه داشت که هرچند توسعه ارتباطات و اطلاعات تا حدودی توانسته است مرزهای ملی را در نوردیده و فاصله‌ها را کوتاه‌تر کند، تعلقات فردی را در حوزه‌ای وسیع‌تر با جهان پیوند زند و همگان را به مسایلی که امنیت جهانی و جامعه بشری را تهدید می‌کند متوجه سازد اما پارادایم غالب در دوران کنونی، همان پارادایم دولت - ملت می‌باشد.

جهانی شدن با تغییرات در عرصه داخلی و بین‌المللی همراه خواهد بود و این تغییرات می‌تواند منجر به ایجاد بحران‌ها و متعاقب آن بروز ناامنی گردد. بنابراین بررسی نقش پلیس در مدیریت بحران‌ها و تبدیل وضعیت ناامنی و بی‌ثباتی به وضعیت ثبات و اقتدار از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد.

در ادامه ابتدا مفهوم و نظریه بحران‌ها با تأکید بر بحران مشروعیت بررسی می‌گردد و سپس چالش‌های امنیتی جهانی شدن مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

### نظریه بحران‌ها

بحران به معنی نقطه عطف (به‌خصوص در مورد بیماری و همچنین به معنی بروز زمان خطر در مورد مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی) گرفته شده است. در چارچوب و روش



سیستمی یک بحران عبارت است از وضعیتی که نظم سیستم یا قسمت‌هایی از آن را (سیستم فرعی) مختل کرده و پایداری آن را برهم زند. به سخن دیگر بحران وضعیتی است که متغیری ناگهان در یک یا چند قسمت از اجزای متغیر سیستم به وجود می‌آورد (قائدی، ۱۳۸۲: ۳۱۸).

بحران‌ها در اشکال مختلفی همچون اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی، قومی و غیره بروز و ظهور می‌کنند. در تقسیم‌بندی انواع بحران «لوسین پای»<sup>۱</sup> معتقد است که هر کشوری برای رسیدن به توسعه‌ی مطلوب باید از یک سلسله بحران‌هایی به صورت موفقیت‌آمیز عبور کند. این بحران‌ها عبارتند: هویت، مشروعیت، مشارکت، نفوذ، توزیع، همگرایی (یکپارچگی) (همان: ۳۱۸). در میان بحران‌ها، بحران مشروعیت از اهمیت و ویژگی خاصی برخوردار است. «آلموند»<sup>۲</sup> بر بحران مشروعیت تکیه می‌کند و معتقد است که بحران مشروعیت قوام‌دهنده‌ی همه‌ی بحران‌های دیگر می‌باشد. «بایندر»<sup>۳</sup> نیز معتقد است که حل بحران‌های هویت و مشروعیت، حل بحران‌های دیگر را تسهیل می‌کند (سیف‌زاده، ۱۳۷۵: ۱۷۴). این نشان از جایگاه بحران مشروعیت در نظریه‌ی بحران‌ها دارد. به همین خاطر در این مقاله صرفاً بحران مشروعیت ناشی از جهانی‌شدن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### بحران مشروعیت

مشروعیت به معنای ظرفیت نظام سیاسی برای ایجاد و حفظ اعتقاد به این اصل است که نهادهای سیاسی موجود در جامعه از صحت عمل برخوردارند و تأسیس نهادهای مزبور به منظور رفع نیازهای جامعه می‌باشد. مشروعیت نظام‌های سیاسی معاصر بیشتر معلول موفقیت درونی نظام‌ها و از میان بردن تفرقه در جامعه است. گروه‌هایی که تحت یک نظام سیاسی به سر می‌برند، برحسب تطابق یا عدم تطابق نظام ارزشی آنان با نظام ارزشی حاکم، آن نظام را مشروع یا غیرمشروع می‌خوانند (قوام، ۱۳۸۲: ۵۴).

1. Lusian Pye  
2. Almond  
3. Binder



مشروعیت مانند مفاهیم قدرت و اقتدار بیان‌کننده‌ی رابطه‌ی میان رهبران و افراد یک جامعه است، زیرا تنها از طریق درست انگاشتن گفتار و عملکرد نخبگان و سیستم سیاسی است که افراد حاضر به همکاری و مساعدت‌های لازم در اتخاذ یا اجرای صحیح تصمیمات هستند. این وضعیت باعث ثبات و در عین حال تغییرات اساسی و زیربنایی می‌شود. از طرفی افزایش مشروعیت، قدرت اخذ تصمیم را توسعه می‌دهد و باعث تحدید و کنترل قدرت می‌شود. از جمله مواردی که عبور از بحران مشروعیت را تسهیل می‌کنند عبارتند:

الف- توسعه و گسترش مشارکت واقعی مردم.

ب- قابلیت و توانایی‌های نظام در ارتباط دادن ارزش‌ها به عملکردهای اقتصادی، سیاسی، اداری، اجتماعی و نیز ارتباط دادن سنت‌ها به اقتدار.

ج- قابلیت نظام در تجهیز و جذب حکومت قانون.

د- تطابق میان سیاست‌های اعلام شده و توانایی نظام در توزیع منطقی قدرت (قوام، ۱۳۷۴: ۱۷۹). در ارتباط با اقتدار باید خاطر نشان ساخت که هر نظام سیاسی به صورت یک شبکه‌ی ارزشی عمل می‌کند و قدرت را با ارزش مرتبط می‌کند، در مواردی که چنین رابطه‌ای میان قدرت و نظام ارزشی بوجود می‌آید، می‌گویند اقتدار حاصل شده است. عامل تلفیق بین ارزش و قدرت مشروعیت نام دارد. بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که ارتباطی نزدیک میان سیستم ارزشی جامعه، اقتدار و مشروعیت وجود دارد. بر این اساس اقتدار به مشروعیت مربوط است و مشروعیت نیز در ارتباط با سهم بودن در ارزش‌ها مطرح می‌گردد.

در این مقاله سه عامل مهم (دگرگونی در منبع مشروعیت سیاسی، تضعیف اقتدار و حاکمیت سنتی دولت‌ها و نقش عوامل محیطی) در ایجاد بحران مشروعیت که تحت تأثیر جهانی شدن فعال شده‌اند، مورد بررسی قرار خواهند گرفت. اما پیش از آن آشنایی با مفهوم جهانی شدن و ابعاد آن ضروری می‌نماید.



### چیستی جهانی شدن

در برخورد با مقوله‌ی جهانی شدن نخستین سؤالی که به ذهن متبادر می‌شود این است که جهانی شدن چیست؟ آیا ما در حال تجربه جهانی شدن هستیم؟ در رابطه با ارائه تعریفی جامع و مانع از پدیده جهانی شدن، میان صاحب‌نظران و اندیشمندان اجماع‌نظر حاصل نشده است. هر دسته از آنان به تناسب برداشتی که از این پدیده دارند و پیش‌زمینه‌های ذهنی و ایدئولوژی سیاسی که به آن تعلق دارند، تعریف خاصی از این پدیده ارائه داده‌اند (میرمحمدی، ۱۳۸۱: ص ۶۰). به همین دلیل است که می‌گوییم: «ما با جهانی شدن‌های گوناگونی مواجه می‌شویم (قوام، ۱۳۸۱: ص ۱۰۹)».

در برخی از تعاریف، جنبه اقتصادی جهانی شدن غلبه دارد و در برخی دیگر، ابعاد سیاسی، فرهنگی یا ارتباطی آن بیشتر مد نظر قرار می‌گیرد. از این رو در خصوص جهانی شدن ارائه تعریف کامل و در عین حال مورد قبول همگان امری دشوار است. صاحب‌نظران فقدان اجماع در مورد این تعریف و مفهوم‌سازی جهانی شدن را متأثر از ماهیت متناقض و پیچیده‌ی این پدیده می‌دانند.

گروهی که جهانی شدن را بیشتر از منظر اقتصادی می‌بینند و همچنین صندوق بین‌المللی پول، که خود ضلعی از اضلاع سه‌گانه جهانی شدن محسوب می‌شود، فرآیند جهانی شدن را حاکی از همکاری‌های اقتصادی در حال رشد همه‌ی کشورهای جهان از طریق افزایش حجم معاملات کالا و خدمات و تنوع در آن و جریان سرمایه‌های بین‌المللی و سهولت دسترسی به آن در تمام مناطق دنیا تعریف کرده‌اند.

گروهی دیگر جهانی شدن را فرآیندی می‌دانند که منجر به از بین رفتن مرزهای سیاسی، افزایش میانگین همگرایی بین جوامع و مؤسسات، گسترش و سهولت نقل و انتقال اطلاعات، تولیدات میان کشورها در سطح جهانی و حذف اندیشه زمان و مکان خواهد شد. «رابرتسون<sup>۱</sup> جهانی شدن را مفهومی می‌داند که ناظر بر فشرده‌شدن جهان و تشدید آگاهی است و فرآیندی است که وابستگی متقابل جهانی و آگاهی از جهان به عنوان یک کلیت یک‌پارچه در قرن بیست و یکم را در پی داشته است (میرمحمدی، ۱۳۸۱: ص ۶۱).

1. Robertson



وی معتقد است: «جهانی شدن عبارت است از درهم فشردن جهان و تبدیل آن به مکان واحد (رابرتسون، ۱۳۸۲: ص ۱۲۹)».

«تاملینسون» در تعریف جهانی شدن می گوید: «منظور من از این مفهوم آن است که جهانی شدن، شبکه‌ای به سرعت گسترش یابنده و همیشه متراکم شونده از پیوندهای متقابل و وابستگی‌های متقابل است که وجه مشخصه‌ی زندگی اجتماعی مدرن به شمار می‌رود (تاملینسون، ۱۳۸۱: ص ۱۴)».

«باری آکسفورد» نیز جهانی شدن را به پیروی از «رابرتسون» به عنوان فرایندهایی تفسیر می‌کند که به واسطه‌ی آنها جهان به مکانی واحد و دارای ویژگی‌های یک نظام تبدیل می‌شود (آکسفورد، ۱۳۸۳: ص ۷).

در تعاریفی دیگر، جهانی شدن به عنوان گسست بین فضا و زمان (گیدنز) و گسترش ارتباطات در سطح جهان، سازمان‌یافتگی اجتماعی در گستره‌ی جهانی و انسجام و استحکام جامعه‌ی جهانی معرفی شده است (میرمحمدی، ۱۳۸۱: ص ۶۱).

در بحث مطالعه‌ی ادبیات جهانی شدن نیز باید میان مقولات زیر تفکیک قابل شد:

الف) پروسه جهانی شدن: در چنین فضایی جهانی شدن یک پدیده‌ی متعارف و طبیعی و مفهومی است که فاعلی ندارد. در واقع سیر طبیعی جوامع بشری آن را پدید آورده است. پروسه‌ی جهانی شدن یک واقعیت است. «جیمز روزنا» بر این باور است که جهانی شدن به عنوان یک پروسه زمینه‌ساز شکل متفاوتی از یکپارچگی جهانی است. این دیدگاه مبتنی بر نوعی خوش‌بینی به پروسه جهانی شدن است. از این منظر جهانی شدن فرایندی به‌شمار می‌آید که در اثر توسعه تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات الکترونیک موجب فشردگی و تراکم جهان و تقویت خودآگاهی جمعی در میان انبای بشر می‌گردد. بر این مبنا، جهانی شدن امری برآمده از تاریخ، فرآیندی ریشه‌ای و فراگردی وسیع، گسترده و همه‌جانبه در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است که مرزهای ملی را در می‌نوردد و به عنوان واقعیتی در حال تکوین و تکامل و همچون رودی خروشان و در حال حرکت، پرشتاب می‌گذرد و زمان و مکان را می‌فشرد و به یکدیگر نزدیک می‌سازد.



ب) پروژه جهانی سازی: در چنین دیدگاهی جهانی سازی یا جهان گرایی طرح و مهندسی اجتماعی در سطح کلان سیستمی است که معرف ایدئولوژی هژمونیک غرب می‌باشد و با تکیه بر بنیادهای نئولیبرالیسم و پست‌مدرنیسم، در صدد فراگیر کردن شیوهی زندگی امریکایی و غربی سازی انسان‌ها و توزیع فرهنگ مصرف و جنسیت است. براساس رویکرد مذکور، غرب سعی دارد با بهره‌گیری فناوری ارتباطات ماهواره‌ای و رسانه‌های ارتباط جمعی و از رهگذر یکسان سازی فرهنگی و یکپارچه‌سازی ارزشی، فرهنگ جهانی و استعلایی غرب را تحمیل و تک‌هنجاری امریکا در امپراتوری جهانی را قطعی کند (برزگر، ۱۳۸۲: ص ۱۴۴).

در این مقاله جهانی شدن به صورت پروسه‌ای نگریسته می‌شود که امکان تبدیل آن به پروژه وجود دارد یا به تعبیر دیگر بستری است که آماده هرگونه استفاده‌ی ابزار در جهت منافع و اهداف خاص می‌باشد. ما در جهانی زندگی می‌کنیم که اینترنت، ماهواره و ابزارهای دیگر ارتباطی، نزدیکی فزآینده‌ای را میان مردم جهان ایجاد کرده است اما تسلط بر این وسایل به وسیله‌ی امریکا و صهیونیسم جهانی غیر قابل انکار است. در عین حال آنچه آشکار می‌باشد این است که جهانی شدن با گشودن فضاهاى جدید که ما از آن به عنوان فرصت یاد می‌کنیم، امکان تبدیل تک‌صدایی را به گفتگو فراهم آورده و پروژه‌ی جهانی سازی را با مشکل مواجه کرده است.

### عوامل ایجاد بحران مشروعیت در عصر جهانی شدن

#### ۱- دگرگونی در منبع مشروعیت سیاسی

بحران مشروعیت به تغییر در ماهیت اقتدار عالی‌ه هر کشوری اشاره دارد. بی‌ثباتی سیاسی همواره با تزلزل‌های مشروعیتی همراه است. در طول زمان سیاست سنتی شاهد تغییرات مهمی در منابع و انواع مشروعیت خود بوده، بدون آنکه مدرن گردد. یکی از ابعاد مهم تغییرات مشروعیت در عصر مدرن، دگرگونی در منبع مشروعیت سیاسی است. بحث عصر مدرن این است که منبع مشروعیت باید از ماورایی به محسوس تبدیل شود. توجه به منبعی محسوس برای اقتدار سیاسی در حال حاضر مخصوص فرهنگ‌هایی است که در آنها



توجهات آرمان‌گرایانه اقتدار وجود ندارد. افول خصلت قدسی مشروعیت سیاسی محصول درک تازه‌ای از مبنای قراردادی دولت است (بایندر، ۱۳۷۷:ص ۲۳۵). البته این دگرگونی در منبع مشروعیت منحصر به مدرنیسم نیست بلکه می‌توان شکل تداومی و تکمیلی این نظریه را در پست‌مدرنیسم یافت. در نظریه‌های پست‌مدرنیسم هیچ نقطه نظر خدایی وجود ندارد و اعتقاد به پایان فرا روایت‌ها از اصول اولیه‌ی آن به شمار می‌رود. پس اگر بخواهیم جمله‌ی انتزاعی «دگرگونی در منبع مشروعیت سیاسی» را عملیاتی کنیم - یعنی برای آن شاخص‌هایی قرار دهیم - دو عامل جهانی شدن مدرنیسم و جهانی شدن پست‌مدرنیسم به عنوان شاخص‌های این دگرگونی به شمار می‌آیند. بنابراین در عصر جهانی شدن در صورت جهانی شدن مدرنیسم یا پست‌مدرنیسم چالش‌هایی را برای مشروعیت جمهوری اسلامی ایران شاهد خواهیم بود.

یکی از نظریه‌پردازان معاصر مدرنیته، «آنتونی گیدنز» می‌باشد. او مایل نیست بپذیرد که «تجدد» به پایان رسیده است. بر همین اساس «جهانی شدن» را به عنوان پیامد مدرنیته مطرح می‌کند و می‌گوید: «مدرنیته ذاتاً پدیده‌ای جهانی است (گیدنز، ۱۳۸۰:ص ۷۶)». به عقیده‌ی «گیدنز» در عصر ماقبل «جهانی شدن»، مدرنیته نمی‌توانست ابعاد جهانی پیدا کند. چرا که ماهیت غربی بودن آن جهان را به دو بخش ما «غرب» و «دیگران» تبدیل می‌کرد. روایت بزرگ به مدرنیته خصلت سلطه‌گری فرهنگی و سیاسی می‌بخشید. غایت‌گرایی در تاریخ ناشی از قطعیت مانع از آن می‌شد که دیگری در ساختن مدرنیته سهیم و شریک باشد. شکاکیت و بازاندیشی دایمی، مدرنیته را از فضای جغرافیایی که زادگاه آن را تشکیل می‌داد رها کرد. بازسازی و بازاندیشی دایمی بین فرد و محل، یا رابطه بین فضای اجتماعی و فضای جغرافیایی که پیشتر در محدوده‌ی دولت - ملت انجام می‌گرفت، تحت تأثیر همان عوامل مدرن ابعاد جهانی پیدا کرده است (اخوان‌زنجانی، ۱۳۸۱:ص ۵۸).





### سکولاریسم بزرگترین چالش مدرنیته

سکولاریسم نوعی عقلانیت و جهان‌بینی خاص است که در عصر مدرنیته عقلانیت دینی را به چالش فرا می‌خواند و از پیامدهای آن جدا شدن دین از دنیا و جدایی دین از سیاست است (واعظی، ۱۳۷۸:ص ۵۸). نفی تئوری حکومت الهی، حقوق طبیعی و گذر از تکلیف به حق، علم‌گرایی (سیانتیسم)، عقل‌گرایی (راسیونالیسم)، لیبرالیسم و اومانیزم از جمله چالش‌های سکولاریسم می‌باشد.

### چالش‌های پسامدرنیسم

شاهد مثال پسامدرنیسم در «جهانی‌شدن» دو عامل زیر است:

- ۱- صدور فرهنگ رسانه‌ای و مصرفی غرب به بقیه‌ی جهان از طریق گسترش ارتباطات جمعی که یک مدل فرهنگ جهانی پسامدرن تلقی می‌شود.
  - ۲- مهاجرت‌های گسترده پس از جنگ سرد. در اثر این مهاجرت‌ها به طور منطقی انتظار می‌رود که اختلاط و پیوند فرهنگی حتی به وجه برجسته‌تری از حیات اجتماعی تبدیل شود. از این لحاظ اختلاط فرهنگی به عنوان پدیده‌ای متفاوت از همگونی مفروض فرهنگ‌های ملی می‌تواند پدیده‌ای پسامدرن تلقی شود (نش، ۱۳۸۰:ص ۱۱۰).
- چالش‌های پسامدرنیسم شامل این موارد است:

- ۱- ضدیت با معرفت‌شناسی: پذیرش این امر که هیچ «نقطه نظر خدایی» وجود ندارد که از طریق آن می‌توان بنیادهای مطلق و نهایی دانش را تعیین کرد و ارائه‌ی دلایل مناسبی برای پذیرش درک مشخصی از جهان (نش، ۱۳۸۰:ص ۵۳).
- ۲- تکثر چشم‌اندازهایی که با آنها به زندگی اجتماعی نگریسته می‌شود: از این منظر هیچ ارزش و حقیقت جهانی و عامی وجود ندارد که بین همهی اعضای جامعه مشترک و پذیرفته باشد. «لیوتار» در کتاب پسامدرن معتقد است که ویژگی زندگی اجتماعی معاصر عبارت است از فروپاشی ایمان به فرا روایت مدرن و پیشرفت عقل به سوی یک جامعه‌ی بهتر. طبق این دیدگاه مشروعیت شدید مدرنیته که تحت عنوان ارزش حقایق علمی و



آزادسازی اجتماعی عصر روشنگری توجیه می‌شد، بیش از یک افسانه یا داستان مملو از ادعاهای گزاف برای احاطه کردن کلیت تجربه‌ی بشری تلقی نمی‌شد (نش، ۱۳۸۰:ص ۵۸).

## ۲- تضعیف اقتدار و حاکمیت سنتی دولت‌ها

در کالبدشکافی مفهوم مشروعیت با یک سکه‌ی دو رو مواجه هستیم. یک روی سکه‌ی مشروعیت الزام سیاسی و روی دیگر آن التزام سیاسی است. اساساً مشروعیت چیزی جز پاسخگویی به چرایی الزام و التزام قدرت سیاسی نیست. در همین جاست که از یک سو میزان مشروعیت از راه سنجش اعتماد و پذیرش اعتماد به دولتمردان بررسی می‌شود (بعد التزام) و از دیگر سوی میزان توانمندی و اقتدار دولت در پاسخگویی اقناعی به نیازها و خواست‌های مردم- که معمولاً از راه نظام بروکراتیک کارآمد و حل قانونمند مشکلات جامعه صورت می‌گیرد- مورد سنجش واقع می‌شود (تقوی، ۱۳۸۲:ص ۱۳۳). این دقیقاً همان مطلبی است که اکثر نظریه‌پردازان در مورد آن توافق دارند و عدم تحقق خواست‌های مردم را به دلیل نقصان در کارکردهای حکومت می‌دانند. به هر حال یکی از نقاط مهمی که جهانی شدن نشانه گرفته است همین نقطه‌ی مشروعیت- یعنی الزام و التزام سیاسی- نظام‌هاست.

تحت تأثیر جهانی شدن قابلیت تجهیز سیستم‌های محلی به ضعف گراییده و اقتدار دولت- ملت‌ها به لرزش و مخاطره می‌افتد. در خصوص این تضعیف اقتدار و حاکمیت سنتی دولت- ملت‌ها، یک بعد خاصی از جهانی شدن به تنهایی وارد عمل نمی‌شود، بلکه تمامی ابعاد جهانی شدن در این حوزه تأثیرگذار بوده و هر جنبه و بعدی از جهانی شدن سعی دارد تا به سهم خود کنترل دولت‌ها را تضعیف کند (تقوی، همان:ص ۱۳۴). جمهوری اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنی نخواهد بود. در تضعیف حاکمیت ملی گزاره‌های شش‌گانه‌ی جهانی شدن وجود دارد که عبارتند از:

۱- افزایش روابط اقتصادی- فرهنگی، موجب کاهش قدرت و کارایی حکومت‌ها در سطح دولت- ملت می‌شود. بنابراین حکومت‌ها کنترلی روی نفوذ ایده‌ها و روندهای جاری، در ورای مرزهای خود ندارند. در نتیجه کارایی حکومت‌های ملی زیر سؤال می‌رود.



۲- با توجه به افزایش تأثیر عوامل فراملی، قدرت دولت ملی پیوسته کاهش می‌یابد. در نتیجه بازیگران تازه‌ای (چون شرکت‌های فراملی) در عرصه‌ی بین‌المللی عرض اندام می‌کنند.

۳- نظام بین‌الملل تازه خود را بر دولت‌های ملی تحمیل می‌کند و در گام نخست، این دولت‌ها مجبور به انطباق خود با نظام جهانی می‌شوند.

۴- دولت‌ها به سوی بازتعریف حاکمیت ملی خود در قالب واحدهای سیاسی بزرگتر- مثل جامعه اروپا یا شبیه آن- یا سازمان‌های چند جانبه- مانند ناتو اوپک و یا سازمان‌های بین‌المللی، گام برمی‌دارند.

۵- حاکمیت بلامنازع نظام جهانی، متأثر از فرهنگ برتر، قدرت‌های مستقل ملی را تهدید می‌کند.

۶- تعارض و درگیری، در جهت استقرار نظم سیاسی- قانونی فراگیر رخ می‌نماید. نتیجه‌ی این بحث، کم‌رنگ ساختن ماهیت جمهوری اسلامی به نفع نیروهای مؤثر در بیرون از آن است که در پرتو شعارهای جهانی و ارتباطات فراگیر، به صورت یک سویه اقدام به تأثیرگذاری کرده و با تمسک به ایده‌ی زوال دولت ملی هرگونه حضور فعالانه نظم سیاسی (جمهوری اسلامی) در حمایت از ایدئولوژی انقلاب اسلامی را زائد و غیر قابل پذیرش می‌خوانند. به عبارت دیگر، جهانی‌شدن با تضعیف ایده‌ی جمهوری اسلامی عملاً راه را بر بسط و ترویج ارزش‌های انقلاب اسلامی سد می‌کند (افتخاری، ۱۳۸۱: ص ۴۳).

### ۳- نقش عوامل محیطی

با توجه به نظر «آلموند بحرانی» که از عوامل محیطی منبعث شده باشد معمولاً ناشی از تغییراتی است که در صحنه‌ی بین‌الملل ایجاد می‌شود. در عصر جهانی‌شدن شاخص‌های تغییر در صحنه‌ی بین‌الملل و تأثیر آن بر ایجاد بحران مشروعیت عبارتند:

الف) ۱- در شکل جهانی‌شدن لیبرال دموکراسی: در صورت جهانی‌شدن لیبرال دموکراسی حکومت‌هایی که به هر ترتیب تضادهایی با اصول و مبانی آن داشته باشند، دچار چالش خواهند شد. بیشترین نمود این چالش در بعد داخلی، در شکل ایجاد بحران مشروعیت بروز خواهد کرد.



ب) ۲- در شکل جهانی سازی: در عصر جهانی شدن به خاطر فروپاشی نظام دوقطبی و پایان جنگ سرد، تغییراتی در سیاست خارجی امریکا شکل گرفت. مطابق نظریه‌هایی که «هانتینگتن» تحت عنوان جنگ تمدن‌ها ارائه داد، اسلام و به ویژه بنیادگرایی اسلامی را به عنوان تهدیدهای جدیدی علیه منافع غرب معرفی کرد. به همین خاطر مشروعیت لازم برای مقابله‌ی امریکا با جمهوری اسلامی ایران، که پیام‌آور احیای-اسلام و بازگشت دین به عرصه‌ی اجتماع و سیاست به شمار می‌رفت، شکل گرفت. البته دولت امریکا از همان آغاز شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران به انحای مختلف به مقابله‌ی با آن برخاسته بود زیرا نه تنها انقلاب اسلامی ضربه‌ی سختی به امریکا وارد کرد و موجب تحقیر آن شد، بلکه این روش مورد توجه گروه‌های ایدئولوژیک منطقه نیز قرار می‌گرفت و این تهدیدهایی را برای منافع امریکا در پی داشت. اما این کشور در این مرحله به اقدامات خود علیه انقلاب اسلامی ایران مشروعیت داد (برزگر، ۱۳۸۲: ص ۵۷).

از دیگر چالش‌های امنیتی جهانی شدن موضوع یکسان‌سازی فرهنگ‌ها در قالب پدیده‌ی جهانی سازی می‌باشد. این یک پیش‌بینی علمی است که توسط اندیشمندان غربی و استراتژیست‌های سیاست خارجی امریکا-عمداً یا غفلتاً- به مطبوعات درز کرده است. فرانسیس فوکویاما می‌گوید:

«من فکر می‌کنم یکسان‌سازی به طور هم‌زمان با تثبیت هویت‌های متفاوت و متمایز فرهنگی رخ خواهد داد. از نظر نهادهای اقتصادی و سیاسی بزرگ نیز فرهنگ‌ها به سمت همگونی و یکسان‌سازی بیشتر پیش می‌روند.»

«دنيس گولت» نیز معتقد است امر یکسان‌سازی به صورت برنامه‌ای منظم با سازکار و ابزار ویژه‌ی خود مشغول به کار می‌باشد. او می‌نویسد:

«نیروهای قدرتمند یکسان‌سازی به همه‌ی فرهنگ‌ها و ارزش‌های فرهنگی هجوم برده‌اند. فرهنگ‌های گوناگون را همگن ساخته و آنها را کم‌رنگ کرده و در جامعه به صورت امر تزیینی، بی‌رمق و حاشیه‌ای جلوه داده‌اند.»

وی سپس به تشریح عوامل آن می‌پردازد و از اهم آنها به تکنولوژی رسانه‌ای (تلویزیون، فیلم، رادیو، دستگاه‌های الکترونیکی، موسیقی، کامپیوتر، تلفن و غیره) اشاره



می‌کند و می‌گوید که همه‌ی آنها بردارهای توانمندی هستند که به فردگرایی، خودکامگی، مصرف‌گرایی و سطحی‌اندیشی دامن می‌زنند (پژوهنده، ۱۳۸۲:ص ۶۳).

### پلیس و چالش‌های امنیتی جهانی شدن

سه چالش عمده در عصر جهانی شدن عبارتند:

۱- بحران انرژی، که در اثر اتمام سوخت‌های فسیلی متصور می‌باشد. ۲- بحران محیط‌زیست، که به موضوعات گرم‌شدن جهان، تغییرات آب و هوایی و انقراض گونه‌های زیستی می‌پردازد. ۳- مسئله صلح و حقوق بشر که در حوزه‌ی نسل‌کشی، هرج و مرج، تروریسم و جنگ‌های داخلی مطرح می‌شود (Lane, 2006: P15).

رویکرد امنیتی پلیس در عصر جهانی شدن خود را در مسایلی چون صلح، حقوق بشر، مبارزه با تروریسم و مقابله با هرج و مرج ناشی از جنگ داخلی بر سر قدرت، نمایان می‌سازد. وقتی صحبت از برخورد با تروریسم می‌شود، پلیس یک کشور به تنهایی قادر به مهار و مدیریت آن نمی‌باشد و نیازمند مشارکت و همراهی نیروهای امنیتی سایر کشورهاست؛ یا مثلاً وقتی در سطح منطقه‌ای یا بین‌المللی، بحران و ناامنی ایجاد می‌شود، پلیس یک کشور حتی با وجود کارآمدی بالا، نمی‌تواند موفق به مهار بحران شود. همچنین است زمانی که بحران‌ها در فضای بین‌المللی رخ می‌دهند. مثلاً وقتی بحران هویت یا بحران مشروعیت در اثر جهانی شدن ایجاد می‌شود پلیس فقط توان برخورد با مظاهر اجتماعی آن را دارد و هیچ‌گاه نمی‌تواند به تنهایی به درمان ریشه‌ای این بحران اقدام کند، پس نیازمند هم‌فکری و همکاری با سایر نهادهای حکومتی می‌باشد.

از طرف دیگر پلیس برای برخی از امور بسیار بزرگ، غیر قابل تحرک و انعطاف‌ناپذیر می‌باشد. در عصر جهانی شدن به دلیل گسترش ارتباطات و ارتقای سطح فناوری اطلاعات، امروزه دیگر نمی‌توان بر آنها تسلط کافی داشت. امروزه اخبار و اطلاعاتی که در حوزه‌های امنیتی دسته‌بندی می‌شوند نه تنها به صورت نوشتار بلکه به صورت فایل صوتی و تصویری به سرعت پراکنده می‌شوند و دستگاه‌های متصدی تأمین امنیت و از جمله پلیس قادر به حفظ آنها نیستند. در عصر جهانی شدن و در اثر مشروعیت



یافتن جنبش‌های اجتماعی، چون سازمان پلیس با همان ساختار عصر دولت-ملت نمی‌تواند در مقابل حجم انبوه جنبش‌ها اقدام مقتضی کند دچار سردرگمی و بحران می‌شود. در عصر جهانی شدن در اثر شکل‌گیری جنگ‌های رسانه‌ای و نرم‌افزارانه، پلیسی که هنوز روش سخت‌افزارانه را تنها شیوهی برخورد با بی‌ثباتی‌های سیاسی می‌داند از مدیریت بحران عاجز مانده و حتی خود می‌تواند عاملی در جهت گسترش دامنه‌ی بحران باشد.

یکی از چالش‌های امنیتی جهانی شدن که این مقاله درصدد بررسی آن بود کم‌رنگ شدن نقش دولت‌هاست. این امر در عرصه‌ی داخلی موجب بروز بحران گردیده و می‌تواند مقدمات بروز هرج و مرج و ناامنی را فراهم کند. نباید فراموش کرد که وجود دولت در گرو گرفتن فرصت تخلف از عناصر و افرادی است که توجهی به حقوق سایرین نداشته و به دنبال کسب منافع خود بدون توجه به منافع دیگران هستند، می‌باشد. کاهش قدرت دولت اجازه‌ی فعالیت و گسترش این تفکر را در حوزه‌ی عملیاتی فراهم می‌آورد. در این شرایط به نظر می‌رسد برای مصون ماندن از اتهام وجود خشونت و از طرف دیگر ممانعت از ایجاد و گسترش ناامنی می‌توان از ابزارهایی چون نمایش قدرت و افزایش توان نمایشی در جهت مرعوب ساختن عوامل ناامنی بهره برد. تحت این شرایط ضمن پرهیز از خشونت می‌توان کارآمدی و موفقیت بیشتری را در مدیریت بحران‌ها تجربه کرد.

از جمله چالش‌های دیگری که می‌توان نام برد، بحران مشروعیت به عنوان برآیند تغییرات سیاسی در عصر جهانی شدن می‌باشد. نقش پلیس در گذار از این بحران، افزایش ضریب امنیت، ایجاد رضایت‌مندی شهروندان، بهره‌گیری از مشارکت گسترده شهروندان در ایجاد نظم و تأمین امنیت و بالا بردن اقتدار و نه لزوماً کاربرد قدرت می‌باشد. البته باید توجه داشت که این فرمول در همه‌ی بحران‌ها و در گستره‌ی زمانی و مکانی متفاوت و حتی در مراحل مختلف یک بحران قابل اجرا نیست؛ بلکه باید نمایش قدرت و اعمال آن تابع مدیریتی هوشمند و منطقی باشد.



### نتیجه‌گیری

در نتیجه و در پاسخ به این سؤال که چالش‌های امنیتی جهانی شدن چیست و نقش پلیس در مهار آن کدام است؟ می‌توان گفت: ضمن بررسی نظریه‌هایی که راجع به جهانی شدن ارائه گردیده است، به نظر می‌رسد وجود حداقلی از تأثیرات بر زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها در حوزه‌های مختلف تحت تأثیر این پدیده، نقطه مشترک میان اندیشمندان معاصر باشد. از جمله این تغییرات، شکل‌گیری فرصت‌ها و چالش‌های جدید برای نهادهای تأمین‌کننده امنیت، از جمله پلیس می‌باشد.

با افول نقش دولت ملی، جنبه سخت‌افزاری قدرت و امنیت کم‌رنگ گشته است. از منظر هستی‌شناسانه چهره جدیدی از قدرت پدیدار گشته است.

جهانی‌شدن که موجب توسعه ارتباطات، اطلاعات، حضور پر قدرت و مؤثر رایانه‌ها در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری گردیده، موجب تحول و دگرگونی ژرف نسبت به قدرت و امنیت گردیده است.

با گسترش موج لیبرال دموکراسی در عصر جهانی‌شدن و شکل‌گیری و گسترش نهادهای فراملی و در نتیجه کاهش قدرت دولت، در کشورهای در حال توسعه شاهد بروز و ظهور بحران‌هایی مانند بحران مشروعیت هستیم. کمک‌های مالی و تبلیغاتی کشورها و مجامعی که قصد تسلط بر موج جهانی‌شدن را دارند مانند امریکا و صهیونیسم جهانی نیز بر سازماندهی و فعال شدن این بحران‌ها نقش داشتند.

در ایران طی سال‌های بعد پس از فروپاشی شوروی و در زمانی که حداقلی از توان اقتصادی احساس می‌شد، شکسته شدن ساختارها و شالوده‌ها با محوریت سیاست باعث کاهش قدرت در نهادهای تأمین‌کننده امنیت و در نتیجه همراه شدن آن با چالش‌های امنیتی در عصر جهانی‌شدن، بحران‌هایی را در پی داشت. از جمله این بحران‌ها بحران مشروعیت بود که خود را در ناامنی‌های اواخر دهه‌ی هفتاد و از جمله حوادث کوی دانشگاه نشان داد. نکته‌ای که به نقش پلیس در مهار چالش‌های امنیتی، و بروز بحران‌هایی مانند بحران مشروعیت مرتبط می‌شود، افزایش اقتدار و توان کسب قدرت در ابعاد مختلف می‌باشد.



دولت کماکان انحصار مشروع قدرت را در دست دارد، در بسیاری از کشورها پلیس انحصار مشروع اعمال آن را برای تأمین امنیت داخلی دارد. در عصر جهانی شدن تأمین امنیت میسر نمی‌شود مگر اینکه وظیفه تأمین، اعمال، نمایش و حفظ قدرت توسط پلیس به خوبی اجرا شده باشد. در این فضای جدید باید توجه داشت که بهترین راه حل مسئله‌ی امنیت در عصر جهانی شدن در چارچوب کارکردی پلیس، توجه به قدرت هوشمند و کاربرد آن در حوزه‌های زمانی و مکانی متفاوت است.

### پیشنهادها و راهکارها

- ۱- در عصر جهانی شدن و در مواجهه با حوزه‌های مختلف امنیتی، ارتباط و آشنایی پلیس با نیروهای تأمین کننده امنیت سایر کشورها ضروری می‌نماید.
- ۲- ورود پلیس به عرصه‌های جدید تأمین امنیت همچون بهره‌گیری از مشارکت مردمی و نیز ورود به عرصه‌های دانش نو به‌ویژه در حوزه‌های ارتباطاتی و اطلاعاتی و تا حد امکان تسلط بر آنها می‌تواند موجب پیشگیری از بروز بحران‌ها و ناامنی گردد.
- ۳- بالا بردن توان مدیریتی و به‌کارگیری مدیریت هوشمند می‌تواند در حل منازعات، بحران‌ها و ناامنی‌ها به‌ویژه از طریق افزایش کارآمدی و بالا بردن سطح اقتدار مؤثر باشد.
- ۴- آشنایی با شیوه‌های جدید بی‌ثباتی‌های سیاسی و بحران‌ها مانند نافرمانی مدنی، مبارزه غیر خشونت آمیز، براندازی نرم و غیره که در عصر جهانی شدن شکل گرفته و یا تشدید شده‌اند، ضروری خواهد بود.

### منابع فارسی

- آکسفورد، باری. (۱۳۸۳)، *نظام جهانی، اقتصاد، سیاست و فرهنگ*. ترجمه‌ی حمیرا مشیرزاده. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- اخوان‌زنجانی، داریوش. (۱۳۸۱). «جهانی‌شدن» و سیاست خارجی. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.





- افتخاری، اصغر. (۱۳۸۱) جهانی سازی، بحران فراسوی انقلاب اسلامی در قرن بیست و یکم. تهران: اندیشه انقلاب اسلامی، سال اول، شماره اول.
- بایندر، لئونارد. (۱۳۷۷) بحرانهای توسعه‌ی سیاسی. ترجمه غلامرضا خواجه سروی. تهران: فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره اول.
- برزگر، ابراهیم. (۱۳۸۲) ابعاد سیاسی «جهانی شدن» و جهان اسلام. جهانشمولی اسلام و جهانی سازی (مجموعه مقالات). تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
- برزگر، ابراهیم. (۱۳۸۲) نظریه پخش و بازتاب انقلاب اسلامی ایران. تهران: مجله پژوهش حقوق و سیاست. سال پنجم، شماره ۸.
- پژوهنده، محمد حسین. (۱۳۸۲) جهانی شدن فرهنگ. اندیشه حوزه، سال هشتم، شماره ششم.
- تاملینسون، جان. (۱۳۸۱) «جهانی شدن» و فرهنگ. ترجمه‌ی محسن حکیمی. تهران: مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها.
- تقوی، سید محمدناصر. (۱۳۸۲) تهدیدهای مشروعیت سیاسی. تهران: فصلنامه راهبرد، شماره ۲۹.
- رابرتسون، رونالد. (۱۳۸۲) «جهانی شدن» تئوری‌های اجتماعی و فرهنگ جهانی. ترجمه‌ی کمال پولادی. تهران: نشر ثالث.
- سیف‌زاده، حسین. (۱۳۷۵) نوسازی و دگرگونی سیاسی. تهران: نشر قومس.
- قائدی، محمدرضا. (۱۳۸۲) مؤلفه‌های نظری بحران. تهران: فصلنامه راهبرد، شماره ۲۸.
- قوام، عبدالعلی. (۱۳۸۲) چالش‌های توسعه سیاسی. تهران: نشر قومس.
- قوام، عبدالعلی. (۱۳۸۱) درآمدی بر «جهانی شدن». تهران: فصلنامه رهیافتهای سیاسی اجتماعی، شماره ۳.
- قوام، عبدالعلی. (۱۳۷۴) نقد نظریه‌های نوسازی و توسعه سیاسی. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۰) پیامدهای مدرنیت. ترجمه‌ی محسن ثلاثی. تهران: نشر مرکز.
- میرمحمدی، داوود. (۱۳۸۱) «جهانی شدن»؛ ابعاد و رویکردها. تهران: مطالعات ملی، سال سوم، شماره ۱۱.
- نش، کیت. (۱۳۸۰) جامعه‌شناسی سیاسی معاصر. ترجمه‌ی محمدتقی دلفروز. تهران: انتشارات کویر.
- واعظی، احمد. (۱۳۷۸) حکومت دینی. تهران: نشر مرصاد.



منابع لاتین

Lane, Jan-Erik.(2006) Globalization and Politics: promises and dangers. Ashgate publishing. LTD.